



# جام شیرین اقتصاد

شد؛ با ادغام جهاد سازندگی با وزارت کشاورزی هم، تیر خلاصی بر پیکر جهاد شلیک شد. حال چند سالی است که امام امت، برای تن بیمار اقتصاد زهرخوردۀ کشورمان، جام شیرین احیاء جهاد را معرفی کرده است. دارویی که پاشنه آشیل جنگ اقتصادی است؛ داروی مردمی کردن اقتصاد! با الگویی به نام جهاد اقتصاد مقاومتی (با عاملیت مردم و روحیه خادمانه مسئولین) می‌توان روح مسیحایی جهادسازندگی را در تن اقتصاد دمید؛ با درون‌زایی، برون‌گرایی و «همه با هم بودن» و مقاومت، می‌توان فقر مستضعفین را رفع کرد؛ آنگونه که جهاد سازندگی، با زدودن محرومیت مادی، استضعاف فکری-فرهنگی را زدود.

جهاد سازندگی بستر مشارکت مردم در حوزه‌های گوناگون بود. اصالت نداشتن بروکراسی و ساختار ثابت، منعطف بودن و تغییر روش متناسب با مأموریت، باعث کارآمدی و سرعت در انجام کارها می‌شد. با تصویب لایحه وزارت خانه شدن جهاد

**با تصویب لایحه وزارت خانه شدن جهاد سازندگی، این نهاد دیگر جلوه مردمی خودش را از دست داد. مردم هم به چشم یک سازمان دولتی به جهاد نگاه می‌کردند و به مرور یخ روحیه جهاد و سازندگی و خدمت‌رسانی آب شد؛ با ادغام جهاد سازندگی با وزارت کشاورزی هم، تیر خلاصی بر پیکر جهاد شلیک شد.**

سازندگی، این نهاد دیگر جلوه مردمی خودش را از دست داد. مردم هم به چشم یک سازمان دولتی به جهاد نگاه می‌کردند و به مرور یخ روحیه جهاد و سازندگی و خدمت‌رسانی آب

نفوذ کردند و جهاد سازندگی را با پیشنهاد تبدیل شدن به وزارت جهاد سازندگی در سال ۱۳۶۱ - به معنای خارج کردن این نهاد خودجوش و کارآمد از اشراف مستقیم رهبری- مسموم کردند. استدلال این بود که به علت موازی‌کاری جهاد با وزارت

کشاورزی و بنیاد مسکن، جهاد باید حذف یا ادغام شود. تفکری که امروز هم سپاه را موازی ارتش و شایسته تعطیلی و ادغام می‌داند اما امام انقلاب را مردم‌سالارانه می‌دانست.

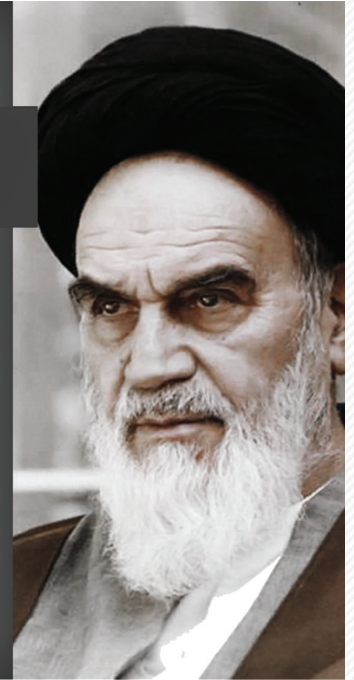
منافقین در اواخر دهه هفتاد جام زهری دیگر به ملت ایران چشانند. سنگ‌اندازی کردند و اجازه ندادند قطار انقلاب با سرعت در قلب مستضعفین حرکت کند. این بسیجیان پیر خمین بودند که با روحیه جهادی و خادمانه، نه مدیریت آمرانه، نه کسب منفعت شخصی، به جای سرمایه‌سالاری غیردینی، به فکر مردم و مردم‌سالاری بودند. جریان خمینی (ره) و فرزندانش در ۲۷ خردادماه ۱۳۵۸ منجر به تشکیل جهاد سازندگی گردید. «همه با هم» را شعار و سرلوحه کار خود قرار دادند تا بتوانند همراه مردم به مردم خدمت و بشاگردها را به خمینی‌شهرها تبدیل کنند. اما مأمون‌های انقلاب

## ۹۹ امام فمینی

## #توسل\_به\_ملت

ما در مشکلات باید متوسل بشویم به ملت. ملتی که مهیا برای کمک و فداکاری بوده و هست. با فداکاری ملت مراحل را که بسیار اهمیت داشت پشت سر گذاشتیم، موانع مرتفع شد، خائنین رفتند، و اگر تتمه‌ای هم باشد، با همت ملت خواهند رفت. ... برای مرحله ثانی، که مرحله سازندگی است، ما دستمان را پیش ملت دراز می‌کنیم، و از ملت می‌خواهیم که همه در این نهضت شرکت کنند و همه دست برادری به هم بدهند و این سازندگی و جهاد سازندگی را شروع کنند. و البته مأمورین دولت در هر جا- آن‌ها هم- مردم با آن‌ها تشریک مساعی کنند.

صحیفه امام | جلد ۸ صفحه ۱۸



## گفت و گوی فتح

آفت  
بوروکراسی

گزارش گفتگو با علی دلگرم؛ از  
پیشگسوتان جهاد سازندگی

تشکیل جهاد سازندگی بر خلاف آنچه گفته می‌شود ۲۷ خرداد بوده، اولین بار در تاریخ ۱۶ اسفند ۵۷ توسط امام (ره) مطرح شد. بنده خودم شاهد بودم، ما در ۱۶ اسفند ۵۷ خدمت حضرت امام (ره) رسیدیم. جلسه با حضور دانشجویان و در اعتراض به مشکلات کشور و اعتراض به مدیریت مهندس بازرگان بود. ما هم به حسب تصادف همراه شهید آیت الله مدنی خدمت ایشان رفتیم. جلسه برای راه انداختن جهاد سازندگی نبود بلکه برای اعتراض به این بود که چرا مهندس بازرگان را به عنوان نخست وزیر منصوب کردید؟ امام (ره) فرمود: «از هرجای مملکت می‌آیند می‌گویند مشکل داریم. شما جوانان بروید مشکلات را حل کنید. بگذارید این کسی که مدعی است کارش را بکند؛ اگر انجام داد که «فیها المراد» وگرنه کنار می‌رود و

بعد از این دیگر مدعی نمی‌شود.» انگیزه اولیه شکل‌گیری جهاد حل مشکلات کشور بود. آنجا امام (ره) به جوانان فرمودند بروید آمار جمع‌آوری کنید. دانشجویان تا ۱۵ خرداد آمار جمع‌آوری کردند. این دفترچه آمار را به شهید بهشتی دادند و ایشان خدمت امام (ره) برد. روز ۲۶ خرداد امام (ره) در یک سخنرانی تشکیل جهاد را اعلام کردند. این تنها پیامی بود که امام (ره) خودشان آن را

روز یکی از استاندارانی که جهادی بود به من گفت تا وقتی که وارد سازمان برنامه و بودجه نشدیم، نفهمیدیم شاه چه سیستم بروکراتیکی چیده؛ چراکه به راحتی قابل تغییر نیست. الان هم احیاء جهاد سازندگی منوط به حضور جوانان و دانشگاہیان است. سیل اخیر، بهترین موقعیت برای احیاء جهاد سازندگی است. اگر شما مطالبه‌ای عمومی از آقا داشته باشید که ما می‌خواهیم جهاد سازندگی را زیر نظر شما احیاء کنیم، ممکن می‌شود. از صحبت‌های آقا می‌توانیم بفهمیم که خواست آقا هم همین است. قدیمی‌های جهادی نمی‌توانند جهاد را احیاء کنند، چون برای احیاء باز هم به سراغ کسانی می‌روند که جهاد را از بین بردند. «فقط جوانان می‌توانند ولاغیر!» (جلد ۸، صفحه ۱۸۰)

بعدها کارهاست، ساختار بوروکراسی است. بوروکراسی الان با زمان اول انقلاب فرقی نکرده است. یک روز یکی از استاندارانی که جهادی بود به من گفت تا وقتی که وارد سازمان برنامه و بودجه نشدیم، نفهمیدیم

قرائن کردند. آنچه الان آفت کارهاست، ساختار بوروکراسی است. بوروکراسی الان با زمان اول انقلاب فرقی نکرده است. یک





# مرگ تدریجی یک نهضت

توصیفی از جهاد سیستمی اداری و بوروکراتیک

قسمت اول: رویش یک گروه انقلابی.

همه چیز با طرح اعزام گروه‌های ۱۰ نفره دانشجویی به مناطق محروم و با پیشنهاد یکی از اعضای هیئت علمی دانشکده فنی دانشگاه تهران، آغاز شد. در ادامه طرح و ایده مفصل‌تری به امام داده شد و امام خمینی (ره) در ۲۷ خرداد ۱۳۵۸ فرمان تشکیل جهاد سازندگی را صادر کرد. افرادی همچون شهید بهشتی از حامیان این حرکت مردمی و دانشجویی و مهندس بازرگان از مخالفان این حرکت بود. نهضت انقلابی برای رسیدگی به مناطق محروم و دورافتاده کشور. **قسمت دوم: وقتی نهضت نهاد شد.** مرگ نهضت‌ها آنجاست که تبدیل به نهاد می‌شوند. نهضت جهاد سازندگی در روز سه‌شنبه ۷ آذر ۱۳۶۲ طی طرحی در سه فصل شامل: اهداف، وظایف و مقررات عمومی در با تأیید مجلس شورای اسلامی به وزارتخانه جهاد سازندگی تبدیل شد. حالا جهاد سازندگی وزارت خانه‌ای در دولت بود... **قسمت سوم: تیر خلاص بوروکراسی.**

به منظور رفع نابسامانی‌ها و نارسایی‌ها در بخش کشاورزی و در جهت اصلاح نظام اداری، کاهش تصدی‌های غیر ضروری، ارتقای بهره‌وری و کارایی نیروی انسانی و مدیریت دستگاه‌های اجرایی، حذف موازی کاری‌ها و تجمیع امور کشاورزی، دام، توسعه و عمران روستایی لایحه ادغام وزارت جهاد سازندگی و وزارت کشاورزی و تشکیل وزارت جهاد کشاورزی توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی تهیه و در تاریخ ۶ دی ۱۳۷۹

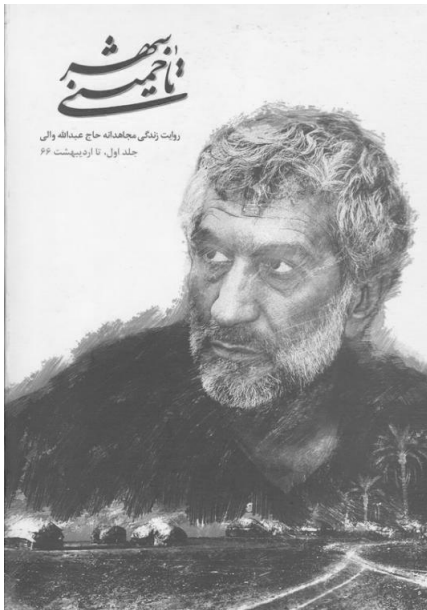
به تصویب رسید. این چنین جهاد سازندگی برای همیشه حذف شد... . حالا ۲۷ خرداد، به جای روز جهاد سازندگی، به روز جهاد کشاورزی تبدیل شده است اما باید گفت نهضت انقلابی و خودجوش دانشجویی و مردمی به نهادی بوروکراتیک در ساختار اداری و دولتی مبدل گشت. مدیریت جهادی که مبتنی بر همدلی، اعتماد، اقناع و مشارکت فعالانه‌ی جهادگران و خصیصه‌هایی انسانی نظیر ساده‌زیستی، تلقی از کار به عنوان تکلیفی الهی و... بود، پس از ادغام روندی نزولی و دستوری یافت و همانند سازمان‌های دیگر کارکردهای خلاق و اثربخش را با پذیرش آمرانه سلسله مراتب ناکارا و آفت‌زده ساختار اداری سنتی از دست داد. حذف نهادی انقلابی چون جهاد سازندگی -چه به واسطه ایدئولوژی‌های نئولیبرال؛ کوچک سازی دولت، اصلاح نظام اداری یا آنچه «مدیریت دولتی نوین» خوانده می‌شود و چه به واسطه انگیزه‌های سیاسی حذف نهادی انقلابی بوده باشد- توسعه روستایی را دچار اختلال کرد. نهادی که حوزه‌های دام و منابع طبیعی، عمران و توسعه روستایی را دنبال می‌کرد و در حال بازنگری در استراتژی‌ها، الگوهای توسعه روستایی و بهینه نمودن آن بود، با شروع

**جهاد در سیستمی اداری که دارای بوروکراسی شدید و دست و پاگیر بود و با روحیات و کار جهادی هماهنگی نداشت، وارد شد. بوروکراسی، آفت روحیه جهادی است. مسئله‌مندی و دغدغه‌مندی در اتوماسیون اداری بوروکراسی ذبح می‌شود.**

ادغام، عقیم ماند. توسعه روستایی که به صورت مجموعه فعالیت‌های منسجم و یک‌پارچه دنبال می‌شد، با واگذاری جهاد به سایر وزارتخانه‌ها از دست رفت. از همه مهم‌تر، جهاد در سیستمی اداری که دارای بوروکراسی شدید و دست و پاگیر بود و با روحیات و کار جهادی هماهنگی نداشت، وارد شد. بوروکراسی، آفت روحیه جهادی است. مسئله‌مندی و دغدغه‌مندی در اتوماسیون اداری بوروکراسی ذبح می‌شود.



# تا خمینی شهر



کتاب «تا خمینی شهر» به شرح زندگی و فعالیت مجاهدانه مرحوم حاج عبدالله والی می‌پردازد. این کتاب زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی جهادگری حقیقی و برخاسته از انقلاب اسلامی را بطور مستند روایت می‌کند. جهادگری که برای آبادانی منطقه بشاگرد-از توابع استان هرمزگان و در پی درخواست حضرت امام (ه) در این زمینه- تمام زندگی خود را وقف این مسئله می‌کند. در تدوین این کتاب بیش از ۳۰۰ نفر از نزدیکان و آشنایان مرحوم عبدالله والی مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند که بخشی از آن‌ها در شهر تهران و بخشی نیز در بشاگرد، میناب، اصفهان، قم، شهر بابک و بردسکن ساکن بوده‌اند که به گفته نویسنده مقدمه کتاب، همگی در ارادت داشتن به مرحوم حاج عبدالله مشترک بوده‌اند. تا خمینی شهر با روایت سه تن از دوستان مرحوم عبدالله والی برای رسیدن به منطقه بشاگرد آغاز می‌شود. در فصل اول با عنوان هجرت، چگونگی رسیدن یک گروه ۳۰ نفره -که در نهایت به یک گروه سه نفره تبدیل می‌شود- به این منطقه روایت می‌شود. در فصل دوم؛ به روایت زندگی مرحوم عبدالله والی از تولد تا دوران حضورش در بشاگرد پرداخته می‌شود. فصل سوم، چگونگی آشنایی مرحوم والی با منطقه بشاگرد و حرکت به سمت آن است. "تا خمینی شهر" به صورت متن و تصویر و نیز معرفی دفتر عمران حضرت امام (رحمه... علیه) در کردستان که الگوی عمل مرحوم والی در بشاگرد بوده است، می‌پردازد. همچنین نقشه‌های مربوط به منطقه و تصاویر آن نیز از ضمیمه‌های کتاب هستند.



## کارخانه آدم‌سازی

خاطره‌ای از شهید حسین مؤمنی



به شوخی به حسین گفتم: «با ساختن این ساختمان‌های داغون و نیمه‌کاره، محرومیت از این مملکت زوده نپیشه». همه خندیدیم. حسین هم تبسمی کرد و سرش رو پایین گرفت. با خودم گفتم الان به چیزی بهم می‌گه که حسابی ضایع بشم. با همون تبسم شیرین و متانتش سرش رو بالا آورد و گفت: «ساختمان رو که همه می‌تونند بسازند، ما این کارها رو می‌کنیم که آدم بسازیم!»

## خدمت به بندگان خدا



کارها برای خدا، برای خدمت به بندگان خدا، برای خدمت به اسلام باشد که این از بزرگ‌ترین عبادات است. خدمت به خلق خدا و خدمت به اسلام، و امید است که در هر جا شما هستید، اداره شما و پست های شما مبدل بشوند به یک عبادت گاه و خدمت‌های شما همه عبادت باشد... در خدمت بندگان خدا و مستضعفین باشید و بیشتر از همه، طبقات ضعیف را ملاحظه کنید و این خود یک عبادت بزرگ است برای شما. و من امیدوارم که شما به این عبادت موفق باشید. «صحف امام، جلد ۱۶، ص ۳۳۲»

## پایانی بر یک پندار رایج

امام: جبهه شما بشاگرد است!

حاج عبدالله والی که همگان بر بزرگی و بزرگ منشی وی آگاه و مطلع اند، نیازی به توصیف و تعریف و تمجید ندارد. چرا که همه جهادگران او و فعالیت هایش را به خوبی می‌شناسند. میدانند که از جوانی و عمر خود برای کمک به منطقه ای محروم و کمتر شناخته شده به نام بشاگرد مایه گذاشت. حاج عبدالله را همه خوب می‌شناسیم ولی بشاگرد حاج عبدالله را نه، و این نوشتار درصدد معرفی بشاگرد است جایی که حاج عبدالله در آنجا حاج عبدالله شد. و اگر به هر جای دیگری جز بشاگرد میرفت دیگر حاج عبدالله این حاج عبدالله نبود. روح... نعمت خدا بود بر ملت ایران، و این ملت شکر نعمت را خوب به‌جای آورد. خدا هم بر

نعمتش افزود. و چه مرتبه بالایی دارد آن ملتی که شاکر باشد؛ قَلِيلٌ مِنْ عِبَادِی الشَّکُور. حاج عبدالله هم نعمت خدا بود بر بشاگرد، و بشاگرد شکر نعمت کرد و بر نعمتش افزوده شد. عجیب آنست که عده‌ای این دو حلقه را [حاج عبدالله را و بشاگرد را- جدای از هم ببینند. برای بالا بردن یکی، دیگری را پایین می‌آورند. برای تجلیل از یکی دیگری را تحقیر می‌کنند. بسیاری از تعریف و تمجیدهایی که از حاج عبدالله می‌شنویم، مقارن است با بدگویی و تحقیر و توهین به مردم بشاگرد و سیاه نمایی بیش از حد از اوضاع اقتصادی

حاج عبدالله هم نعمت خدا بود بر بشاگرد، و بشاگرد شکر نعمت کرد و بر نعمتش افزوده شد. عجیب آنست که عده‌ای این دو حلقه را - حاج عبدالله را و بشاگرد را- جدای از هم ببینند. برای بالا بردن یکی، دیگری را پایین می‌آورند

و اجتماعی و فرهنگی بشاگرد. از بی‌نمازی و بی‌غیرتی و نفهمی و بسیاری از اوصاف دیگر که زبان را شرم می‌آید از تکرار آنها. اما واقعیت چیست؟ چطور ممکن است از طرفی مردمی را مسلمان بخوانیم از طرفی دیگر آنها را بی‌نماز معرفی کنیم؟ چطور ممکن است مردمی را شیعه معرفی کنیم



پایگاه اطلاع رسانی بسیج دانشگاه امام صادق علیه السلام:

www.basijisu.ir

سامانه پیامکی دریافت نظرات: ۱۰۰۰۴۰۷۲

نشریه فتح در پیامرسان‌ها: @fathisu

شماره تماس: ۰۹۱۰۴۹۷۰۶۲۵



برای دریافت فایل الکترونیکی نشریه کد روبرو را اسکن کنید.

ویژه نامه گفتمان انقلاب اسلامی

مدیر مسئول: علیرضا رحیمیان / جانشین مدیر مسئول: علی راستی

سردبیر: علی اکبری

هیأت تحریریه: حسین سرآبادانی (پژوهشگر مرکز رشد دانشگاه امام

صادق علیه السلام)، محمد قدیمی، سید سجاد موسویان، محمد احمدی

با تشکر از مهندس دلگرم (از پیشکسوتان عرصه جهاد سازندگی)

طراحی: گروه طراحی خادم الشهداء